

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

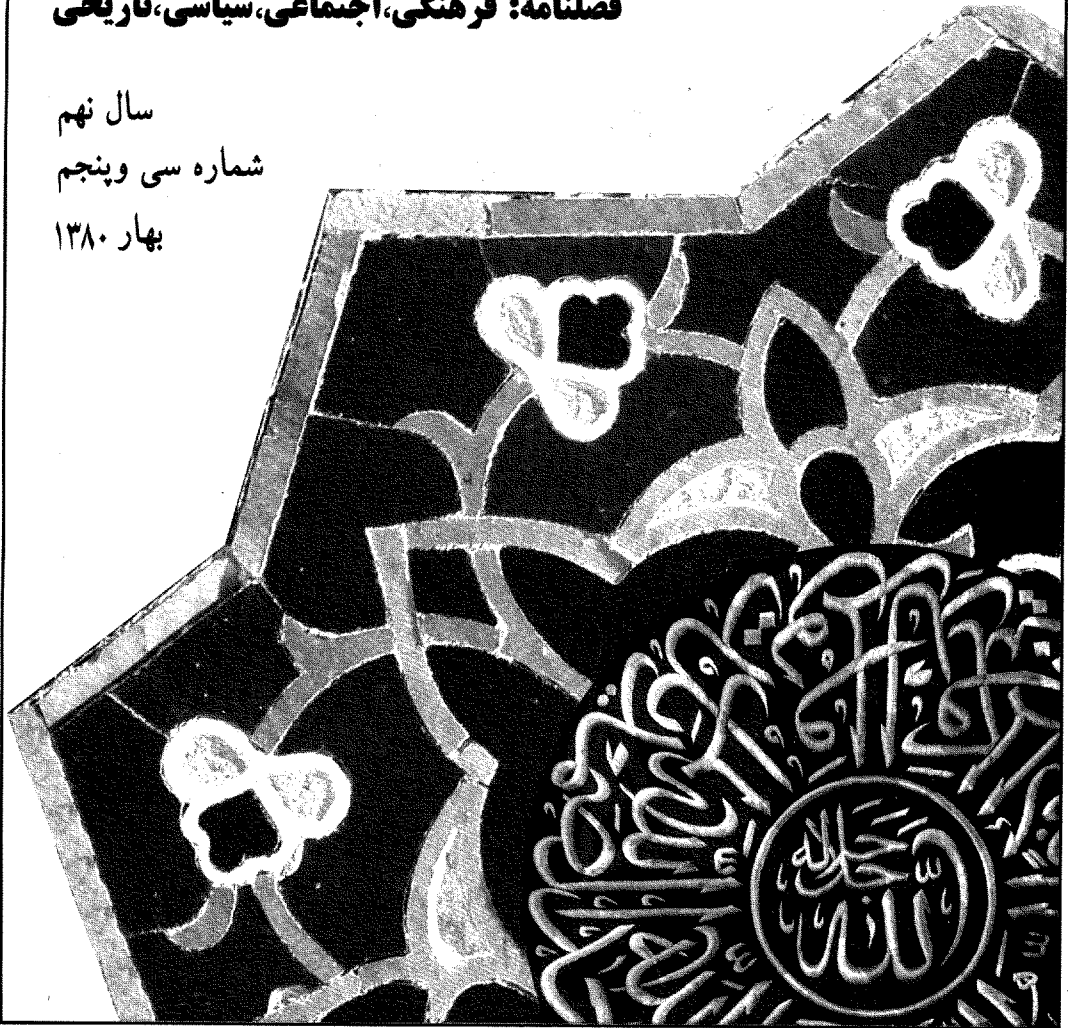
# میقات

فصلنامه: فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی

سال نهم

شماره سی و پنجم

بهار ۱۳۸۰



# میقات

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت  
مدیر مسؤول: ..... سیدعلی قاضی عسکر  
زیر نظر: ..... هیأت تحریریه

ویراستار: ..... علی ورسه‌ای  
طراح: ..... کمال ملقن  
حروفچینی: ..... مرکز تحقیقات حج  
لینوگرافی: ..... سنا  
چاپ: ..... جلوه پاک

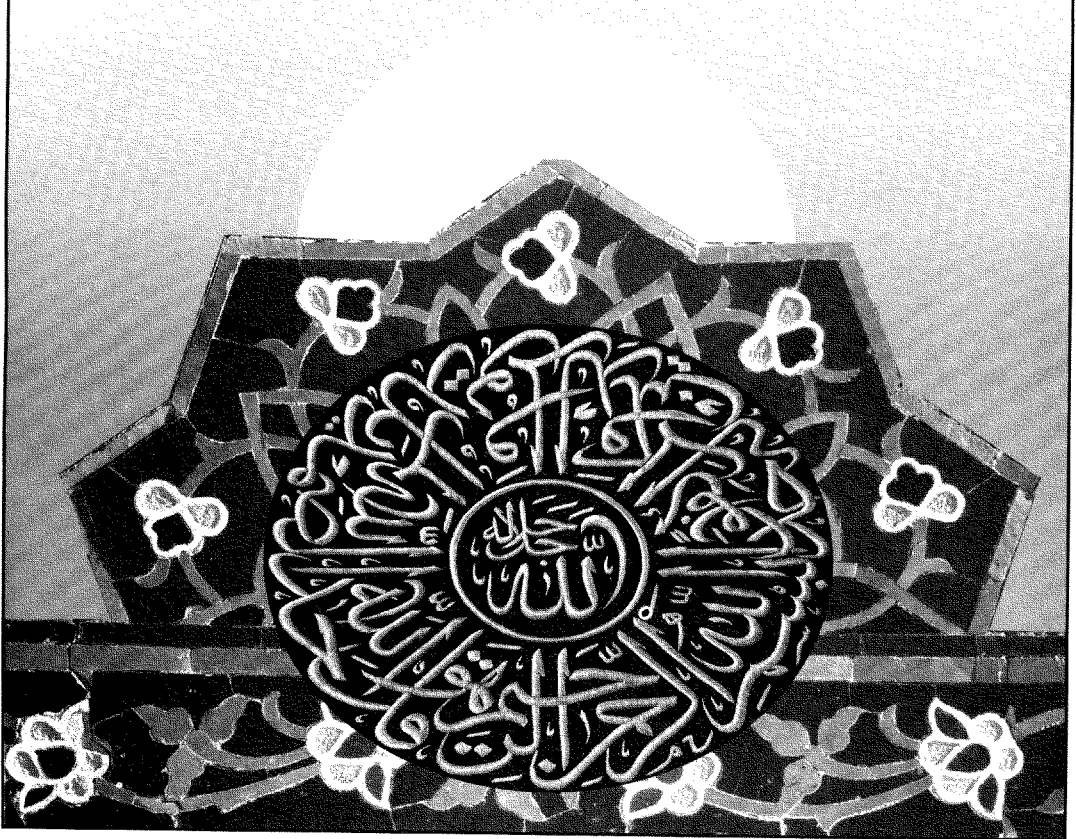
آدرس: تهران - خیابان آزادی - نبش خوش  
سازمان حج و زیارت - طبقه دوم - معاونت  
آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

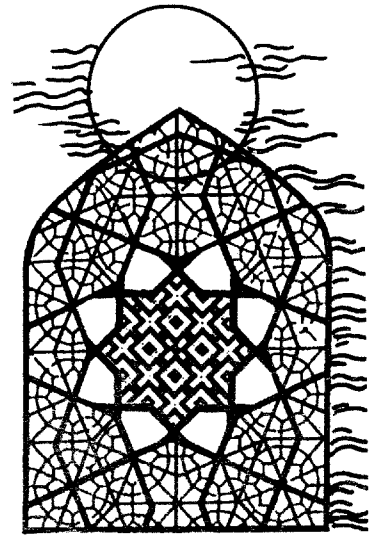
آدرس اینترنت: [www.Hadj.net](http://www.Hadj.net)  
آدرس پست الکترونیک: [Beseh@Hadj.net](mailto:Beseh@Hadj.net)

یادآوری:

- مسؤلیت آراء و نظرات به عهده نویسندگان آن است.
- میقات، در ویرایش مطالب آزاد است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نخواهد شد.

# اسرار و معارف حج





## حج

# کانون معارف الهی

حسین شفیعی

«حج، کانون معارف الهی است که از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو کرد.»<sup>۱</sup> امام خمینی ره

این سنت ابراهیمی را برپا داشت. بعد سلبی حج؛ یعنی برائت از مشرکان را جزو وظایف و ارکان سیاسی حج برشمرد و آن را در راستای اندیشه‌رهایی همه انسان‌ها از حصارهای ستم و زنجیرهای بی‌عدالتی و غفلت مورد توجه قرار داد: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»<sup>۲</sup>

در این وجیزه، دورنمایی، هرچند ضعیف، از کلام امام راحل ره، که حج را «کانون معارف الهی» شناسانده است، می‌آوریم.

امام عارفان و قدوة سالکان، خمینی کبیر ره انسان صالح واصلی بود که به بارگاه رفیع معرفت نایل آمد و در کالبد همه معارف الهی و اندیشه‌های دینی، روحی تازه بخشید. حرکت، رفتار و منش این شخصیت استثنایی به نحو محسوسی در احیای تفکر دینی و معارف اسلامی اثر گذاشت. او در میان همه معارف و احکام اسلام، به حج توجه ویژه‌ای مبذول داشت و گرچه خود در دوران تصدی رهبری انقلاب و نظام اسلامی، حج بجا نیاورد، لیکن حج را اقامه کرد و



عبادات و چون عمل حج مجمع العناوین بود با زیادی، چه اینکه مشتمل است بر جمله‌ای از مشاق اعمال که هریک بنفسه صلاحیت تصفیة نفس را دارد؛ مثل «انفاق المال الكثير، والقطع عن الأهل والأولاد والوطن، والحشر مع النفوس الشريرة وطی المنازل البعيدة مع الابتلاء بالعطش في الحر الشديد في بعض الأوان والوقوع على أعمال غير مأنوسة لایقبلها الطباع، من الرمی والطواف والسعی والإحرام وغير ذلك»؛ با اینکه دارای فضایل بسیاری است ایضا از قبیل تذکر به احوال آخرت...»<sup>۴</sup>

گذشته از آن که حج تبلوری است از توصیه و تجسمی است از معاد تصویری است از عدل و تجدید خاطره‌ای است از نبوت و فراهم ساختن زمینه‌ای است برای باورداشتن امامت که فرموده‌اند: «مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ»<sup>۵</sup> افزون بر همه این ویژگی‌ها، در این عبادت (حج)، هم نماز وجود دارد، هم در شرایطی روزه واجب می‌شود، هم زکات و خمس با آن مرتبط است و هم ولایت که از ارکان مهم اسلام و کلید همه آنها معرفی شده، شرط اصلی حج قرار گرفته است. پس حج جامع همه معارف

در روایات فراوانی، حج از ارکان مهم اسلام شمرده شده که تشدید بنای دین و تحکیم آن، مبتنی بر قرارگرفتن صحیح این سنگ بناست. این مضمون در نقل‌های متفاوتی از ائمه معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> رسیده است که: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ...»<sup>۳</sup> حج، هم خود رکنی مستقل معرفی شده و هم به تنهایی مجموعه‌ای است از ارکان و معارف الهی؛ به طوری که همه باورهای اعتقادی و هست و نیست‌های نظری و باید و نبایدهای اخلاقی و عملی، به نحوی با انجام گرفتن صحیح آن مرتبط است. عارف سالک، مرحوم بهاری همدانی می‌گوید:

«شارع مقدس، عبادات را یک نسق نگردانیده بلکه مختلف جعل کرده؛ زیرا که به هریک از آنها، رذیله‌ای از رذایل از مکلف زایل می‌گردد تا با اشتغال به آنها تصفیة تمام عیار گردد، چنان‌که صدقات حقوق مالیه و ادای آنها قطع میل می‌کند از حطام دنیویه، کما اینکه صوم قطع می‌کند انسان را از مشتبهات نفسانیه و صلوات نهی می‌کند از هر فحشا و منکری و هکذا سایر

الهی است.

اگر نماز، انسان را فرشته خو می‌کند، چون مشتمل است بر نهایت خاکساری انسان در سجده و نزدیک ترین حالت بنده به خدا زمانی است که در حال سجده باشد<sup>۶</sup> و فرشتگان بعضی ساجدند و بعضی راکع؛ «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً رُكَّعًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سُجَّدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۷</sup> و روزه انسان را در صف فرشتگان قرار می‌دهد. انجام مناسک حج نیز که جامع این ارکان و خود رکنی است مستقل، آدمی را فرشته سیرت و فرشته صورت می‌کند؛ حاجیان به فرشتگان می‌مانند که عرش الهی را طواف می‌کنند؛ «وَتَسْبُحُهَا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ»<sup>۸</sup>.

### توحید در حج

افزون بر اینکه خداوند انسان را با صبغه توحیدی آفریده و وی را بر فطرت خداشناسی سرشته؛ به گونه‌ای که با ذات او عجین شده، توحید را در همه معارف و دستورات و اعمال جوارحی و جوانحی خود نیز اشراب کرده است. حج نیز از آغاز تا انجام آن نمونه‌ای است از توحید و طرد شرک. براساس آیه شریفه:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۹</sup> حج ایمان و توحید است و ترک آن موجب کفر عملی.

حج، سیر به سوی خدا و رفتن برای دیدار او و تلاش برای نزدیکی به خدایی است که در عین علو و بالایی، نزدیک است؛ «فَأَنِّي قَرِيبٌ»<sup>۱۰</sup> حاجی با پوشیدن لباس احرام و گرفتن لبیک، همه مظاهر دنیا، ریا و شرک و هوا را کنار می‌گذارد و صبغه الهی به خود می‌گیرد؛ زیرا لبیک حج جاهلی، ندای شرک بود و بانگ بت پرستی؛ چون می‌گفتند: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ، تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلِكٌ»<sup>۱۱</sup> و بدین گونه، وجود شریک را برای خدا بیان می‌کردند. اما لبیک در اسلام بانگ توحید است و اظهار عجز و عبودیت و صیقل دادن دل از زنگار هر نوع شرک خفی و جلی و اذعان به این حقیقت که ولایت مطلقه از آن خدای سبحان است و: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ»<sup>۱۲</sup> لذا اگر کوچک ترین سنت جاهلی را به کار بندد یا خویش را به کمترین پلیدی شرک آلوده سازد، هنگام لبیک گفتن، به او گفته می‌شود: «لَا لَبَّيْكَ عَبْدِي وَلَا سَعْدَيْكَ»<sup>۱۳</sup>.



عباس، حاکم مکه، وی را به اقامه حج دعوت می‌کند: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْحَنِيفِ دِينِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَكَّلَ بِكَ الْكَلِمَةَ التَّامَّةَ وَالْجَنَّةَ الْمَوْجُودَةَ فِي الْبَيْتِ الْمَكِيِّ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى الْبَيْتِ الْأُخْرَىٰ وَالْحَيْكَةَ الْمَكِّيَّةَ الَّتِي نَمُنُّ بِهَا وَإِنَّا لَنَرُّوهُنَّ بِبَصَرِنَا وَالْحَيْكَةَ الْمَكِّيَّةَ الَّتِي نَمُنُّ بِهَا وَإِنَّا لَنَرُّوهُنَّ بِبَصَرِنَا»<sup>۱۶</sup>

مکان‌های مقدسی که در آن مناسک حج انجام می‌شود، یا به نحوی با مناسک مرتبط است، یادآور تلاش و رنج‌هایی است که همه انبیا به ویژه انبیای ابراهیمی و وجود مقدس نبی گرامی ﷺ و وابستگان‌شان، در راه تحکیم نبوت خویش کشیده‌اند. از کوه صفا که یادآور حضرت آدم صلی الله است<sup>۱۷</sup> تا تجدید بنای کعبه که توسط حضرت ابراهیم خلیل و اسماعیل علیهما السلام صورت گرفته؛ «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»<sup>۱۸</sup> و آماده‌سازی آن توسط این دو بزرگوار برای طواف‌کنندگان؛ «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۱۹</sup> از حجر اسماعیل که خانه او و مدفن هاجر و بسیاری از انبیا است<sup>۲۰</sup> تا مقام ابراهیم که آیه‌ای از آیات الهی و اثر دو پای مبارک فریادگر توحید، ابراهیم خلیل است و مصلای نماز طواف؛ «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»<sup>۲۱</sup> و زمزم، که یادآور خاطره انقطاع الی الله هاجر و اثر فوری آن است و استجابات ادعیه ابراهیم خلیل که موجب عطف

«روح خلوص و تعبد در حج، بیش از سایر عبادات متجلی است؛ زیرا راز بسیاری از عبادات بر انجام‌دهندگان آن پوشیده نیست... ولی پی بردن به راز مناسک حج دشوار است و اسرار بسیاری از آن‌ها با عقل بشری قابل تبیین نیست؛ از این رو تعبد در حج بیش از سایر دستورات دینی است چنان که از رسول خدا ﷺ نقل شده است که هنگام لبیک گفتن، به خدا عرض کرد: خدایا! من با رقیبت و عبودیت محض لبیک می‌گویم و مناسک حج را انجام می‌دهم: «لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ حَقًّا تَعْبُدًا وَرِقًّا»<sup>۱۴</sup>

### تبلیوری از نبوت

حضرت امیر علیؑ در وصیت خود به برپاداشتن دو ستون مهم دین؛ یعنی «توحید» و «نبوت» و فروزان نگه‌داشتن این دو مشعل الهی و دخالت‌دادن آن دو، در شؤون مختلف زندگی سفارش می‌کند که: «أُمَّا وَصِيَّتِي ... أَقِيمُوا هَذَيْنِ الْعُمُودَيْنِ وَأَوْقِدُوا هَذَيْنِ الْمِصْبَاحَيْنِ»<sup>۱۵</sup> بدیهی است اقامه این دو، به اقامه حج مرتبط است که جلوات توحید و نبوت در جای جای مناسک آن متجلی است، شاید از این رو بود که خود در نامه‌ای به قثم بن

مظاهر عدل الهی را به جهانیان می‌نمایانند.

تفاوتی نیست که از نظر اجتماعی در حضيض ذلت باشی یا در اوج قدرت. قلّه‌های معرفت و معنویت را فتح کرده باشی یا - العیاذ بالله - در کنیف رذایل گرفتار، تو را پذیرفته‌اند؛ زیرا راه برای همگان باز است و همه بر سر سفره ضیافت دعوت شده‌اند. هیچ کس بدون دعوت نرفته و هیچ کس از رفتن خود پشیمان نیست؛ کلام در این است که از این مائده آسمانی چه برگیری؟ مَنْ و سَلَوٰی یا عدس و بصل؟ از خدا خدا را طلب کنی یا دنیا را؟ چون هارون الرشید با تبختر و تکبر در شناخت ولی خدا خود را به تجاهل بزنی یا چون سجاد علیه السلام باشی که وقتی به او گفتند مأموران هیئت حاکمه باغ شما را تصاحب کرده‌اند، حال که عبدالملک به مکه آمده تظلم کنید و از او کمک بخواهید فرمود:

«وَيَحْكُ أَفِي حَرَمِ اللَّهِ أَسْأَلُ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟» «وای بر تو، آیا در حرم خدا، از غیر خدا چیزی بخواهم؟!»<sup>۲۴</sup>

### پیوند حج با امامت

حج با امامت گره خورده و در

دل‌ها و گسیل مردم به بیت العتیق و وفور نعمت و میوه در آن وادی غیر ذی‌زرع شده؛ «فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ»<sup>۲۲</sup> همه جا رد پای انبیای الهی و پیروان صدیق آنان و صوت دل‌انگیز مناجاتشان با حضرت رب العالمین و صدای چک‌چک شمشیرهایشان در دفاع از حریم نبوت با چشم بصیرت مشاهده می‌شود که؛ «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»<sup>۲۳</sup> پیامبرانی که سعی می‌کردند پیام خویش را از کنار کعبه به گوش جهانیان برسانند.

### مظهري از عدل الهی

سپید جامگانی که با صفوف تنیده در هم، یکدل و یکصدا، آوای ملکوتی لیبیک را از دل سر می‌دهند و همه، فقیر و غنی، شاه و گدا، وضع و شریف، با لباس‌های متحدالشکل، دور از هیاهوی دوگانگی و اختلاف، در طواف و سعی و هروله مشغول انجام مناسک بر اساس معتقدات خویش هستند و هیچ‌گاه با مشکل تعارض و تزاخم و دوگانگی اعمال مواجه نمی‌شوند، مظهري از





بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ».<sup>۲۹</sup>

یحیی بن یسار می گوید: پس از اتمام مراسم حج، افتخار تشرف به محضر مبارک امام صادق را پیدا کردیم، آن حضرت فرمود: شما حج گزاران خانه خدا هستید و زائران قبر پیامبر او و شیعه آل محمد. بر شما این فضیلت گوارا باد: «حَاجُّ بَيْتِ اللَّهِ وَ زَوَّارُ قَبْرِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ هَبْنِيئاً لَكُمْ».<sup>۳۰</sup>

### تجسمی از معاد

مناسک حج و حضور در مواقع و میقات های آن، هریک نمونه ای است از حشر و نشر در قیامت که به برخی از این نمونه ها اشاره می کنیم:

۱- آماده شدن برای سفر حج به پرداخت بدهی های شرعی و قانونی و رد مظالم عباد و کسب رضایت کسانی که با او معاشرت داشتند، وصیت کردن و خدا حافظی یاد آور حالت احتضار و سفر به سوی آخرت است.

۲- حضور در سرزمینی که پیشتر با آن آشنایی نداشت و دوری از زن و فرزند و خانه و کاشانه و قطع توجه از دیگران تداعی گر «يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ

روایات زیادی هدف نهایی از انجام مراسم حج ملاقات با امام زمان و عرضه نصرت بر او شمرده شده است و حج بدون ولایت به حج جاهلی<sup>۲۵</sup> و چرخش بر گرد سنگ هایی که «لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ»<sup>۲۶</sup> تشبیه شده است. ذیل آیه شریفه «وَأْتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»<sup>۲۷</sup> لقای امام از مصادیق باطنی اتمام حج بیان شده که حج گزار پس از انجام مناسک به زیارت امام علیه السلام مشرف شود؛ و چون حضرات معصوم علیهم السلام حیات و مرگشان یکسان است: «بِمَوْتٍ مِّنْ مَّاتٍ مِنَّا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ»<sup>۲۸</sup> تفاوتی نیست که در زمان حیات، وجود شریفشان را از نزدیک زائر باشیم و مراتب ولایت و نصرت خویش را بر آنان عرضه داریم یا در کنار قبور مطهرشان با سلام و درود فرستادن بر روح و جسم شریفشان مراتب مودت و وفاداری بر پیمان ولایت آنان را اذعان کنیم.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: به مردم گفته شده گرد این سنگ ها! طواف کنند تا پس از انجام مناسک، نزد ما بیایند و میزان ولایت خویش را به ما اعلام کنند و یاری خود را بر ما اظهار دارند؛ «إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا

انجام مناسک در پیشگاه حیی قیوم، چنان که امام صادق علیه السلام در مقام بیان سری از اسرار سعی می فرماید: «جَعَلَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَذَلَّةً لِلْجَبَّارِينَ»،<sup>۳۷</sup> یادآور تذلل و خضوع همه چهره‌ها در قیامت است: «وَعَنْتُ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ»<sup>۳۸</sup>

۷- اعتراف و اقرار حج گزار بر گناهان خویش، اعتراف بر گناه در قیامت را تداعی می کند که بعضی در پیشگاه خداوند می گویند: «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخِيَّتْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»<sup>۳۹</sup> امام صادق علیه السلام پشت خود را برهنه در برابر آفتاب گرفت و فرمود: «لَبَّيْكَ فِي الْمُدْنِيِّينَ لَبَّيْكَ» و چون به ملتزم رسید به همراهیانش فرمود: «أَمِيطُوا عَنِّي حَتَّى أَقْرُبَ لِرَبِّي بِذُنُوبِي فِي هَذَا الْمَكَانِ»؛ «از من دور شوید تا در این مکان به گناهان خویش نزد پروردگارم اعتراف کنم که جای آمرزش است.»<sup>۴۰</sup>

۸- احساس امنیتی که حج گزار از تجاوز و جدال و آزار دیگران دارد، سخن خدای متعال را در باب قیامت تداعی می کند که فرمود: «لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ»<sup>۴۱</sup> این نمونه‌ها و موارد دیگر نمایانگر جامعیت حج و تمثیلی از قیامت است که اثری سازنده و مفید در حج گزار دارد.

وَالسَّمَاوَاتِ»<sup>۳۱</sup>؛ «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ \* وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ...»<sup>۳۲</sup>؛ «وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ»<sup>۳۳</sup> است.

۳- حرکت اعضای هر کاروان به دنبال مدیر، راهنما و مسؤول هدایت کاروان، هنگام انجام اعمال یا ورود در خاک عربستان و در دست داشتن روادید که به منزله نامه عمل و جواز عبور است: خاطره بیان شده در این آیه در باب قیامت را مجسم می کند که: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُوْتِئِكَ يَفْرُغُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»<sup>۳۴</sup>

۴- عاری بودن از مظاهر و مفاخر دنیوی، چون لباس و حشمت و کبکبه و پوشیدن دو جامه ساده شبیه کفن، با توجه به این نکته که برای حج گزار مستحب است در همان جامه کفن شود، چنان که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز در دو جامه احرامش کفن شد،<sup>۳۵</sup> جلوه‌ای از جلوات قیامت را به تماشا می گذارد.

۵- افاضه و کوچ از عرفات به طرف مشعر و پس از درک وقوف مشعر، کوچیدن هنگام طلوع آفتاب به سوی منا مظهري است از «يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ»<sup>۳۶</sup>

۶- تذلل و فروتنی گردن فرازان هنگام



## شرافت زمانی و مکانی حج

حج از معدود عباداتی است که از نظر زمان و مکان، در موقعیتی استثنایی قرار دارد که این مختصر را گنجایش بیان جزئیات آن نیست. تنها به برخی از آن اشاره می‌شود:

۱- از نظر زمانی برای هریک از ماه‌های حج شرافت‌های خاصی ذکر شده؛ مثلاً در روایات آمده است که کعبه در ۲۵ ذی قعدة نصب شد و زمین از آن بسط یافت. آدم در آن روز هبوط کرد و ابراهیم خلیل و حضرت عیسی به دنیا آمدند و رحمت در آن روز نشر یافت. ۴۲ از حضرت امیر علیه السلام نقل شده: اولین رحمتی که از آسمان نازل شد، در بیست و پنجم ذی قعدة بود. ۴۳

۲- بخش اعظم مناسک حج در دهه اول ذی حجه انجام می‌شود که جزو ایام معلومات است و بیان شده در آیات **﴿وَيَذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾** ۴۴ و **﴿وَالْفَجْرِ﴾** و **﴿لَيْالٍ عَشْرٍ﴾** ۴۵ موسای کلیم علیه السلام قرار چهل شبی که با خدا داشت از اول ذی قعدة شروع و با دهه اول ذی حجه خاتمه یافت و محصول این چله‌نشینی دریافت تورات بود. ۴۶ از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده که

ثواب عمل صالح در هیچ ایامی به ثواب آن در دهه اول ذی حجه نمی‌رسد، حتی جهاد در راه خدا جز آن که مجاهد، مال و جانش را در راه خدا بدهد و به فیض شهادت برسد.

۳- شرافت ۴۷ مکانی حج نیز قابل شمارش نیست؛ امکنه‌ای که در قداست و ارزش نظیر ندارد؛ برخی از آن، از آیات بیّنات الهی و برخی دیگر از شعائر الهی محسوب شده است: **﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾** ۴۸؛ **﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾** ۴۹.

آنچه بیان شد دورنمای کوچکی بود از عبادتی بزرگ و جامع که ابعاد و شؤون مختلف عبادی، سیاسی، ولایی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و... را دارد و اسرار نهفته‌ای که عقل را بدان راهی نیست و کسی جز خدای سبحان از آن آگاهی ندارد.

بدیهی است حج، آن‌گاه عظمت شأن و رفعت خاص و اثر ویژه خود را دارد که به همه ابعاد، به ویژه به بعد ولایی و سیاسی آن توجه شود و گرنه حج از مصادیق «هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ» ۵۰ خواهد شد و حج‌گزاران از مظاهر «مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجِ وَأَقَلَّ الْحَجِيجِ» ۵۱.

این مهم را وارث ابراهیم خلیل؛ یعنی امام رحیل به مسلمانان توجه داد و برائت را از شؤون مهم حج شمرد و حج و یوم مات و یوم بیعت حیّاً».

ابراهیمی را حیاتی دوباره بخشید «طاب الله تراه بوابل رحمته والسلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم بیعت حیّاً».

### ● پی‌نوشتها:

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۲۹.
۲. اعراف (۷) ۱۵۷.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷، ابواب مقدمات عبادات، باب ۱، ح ۱؛ کافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۲.
۴. تذکره المتقین، ص ۴۸، انتشارات نور.
۵. کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.
۶. قال الصادق علیه السلام: «إن أقرب ما يكون العبد من الرب عزّوجلّ وهو ساجدٌ بأك» (کافی، ج ۲، ص ۴۸۳).
۷. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۷۴، ح ۴.
۸. نهج البلاغه، خطبه اول.
۹. آل عمران ۳: ۹۷.
۱۰. بقره (۲): ۱۸۶.
۱۱. کافی، ج ۲، ص ۵۴۲.
۱۲. کهف (۱۸): ۴۴.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۲، باب ۵۲، ح ۱.
۱۴. صهای حج، ص ۳۳۰.
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹، کلام ۲۳.
۱۶. همان، نامه ۶۷.
۱۷. «إنما سمیت الصفا، لأن صفة الله نزل علیها» (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۱، ح ۵).
۱۸. بقره (۲): ۱۲۷.
۱۹. بقره (۲): ۱۲۵.
۲۰. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۱، ح ۱۰.
۲۱. بقره (۲): ۱۲۵.



- ٢٢ . ابراهيم (١٤): ٣٧  
 ٢٣ . آل عمران (٣): ١٤٦  
 ٢٤ . بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٦٣، ح ٢٠.  
 ٢٥ . «هكذا كانوا يطوفون في الجاهلية» (بحار، ج ٢٤، ص ٣١٤، ح ٩).  
 ٢٦ . نهج البلاغه، خطبه ١٩٢  
 ٢٧ . بقره (٢): ١٩٦  
 ٢٨ . نهج البلاغه، خطبه ٨٧  
 ٢٩ . كافي، ج ٤، ص ٥٤٩  
 ٣٠ . همان.  
 ٣١ . ابراهيم (١٤): ٤٨  
 ٣٢ . عبس (٨٠): ٣٤  
 ٣٣ . بقره (٢): ١٦٦  
 ٣٤ . اسراء (١٧): ٧١  
 ٣٥ . وسائل الشيعه، ج ٩، ص ٣٧، باب ٢٧، ح ٢  
 ٣٦ . قمر (٥٤): ٧  
 ٣٧ . وسائل الشيعه، ج ٩، ص ٥١١، باب ١، ح ٤  
 ٣٨ . طه (٢٠): ١١١  
 ٣٩ . غافر (٤٠): ١١  
 ٤٠ . وسائل الشيعه، ج ٩، ص ٤٢٤، باب ٢٦، ح ٥  
 ٤١ . غافر (٤٠): ١٧  
 ٤٢ . المراقبات، ص ٣٠٦؛ اقبال الأعمال، ص ٦١٦  
 ٤٣ . همان.  
 ٤٤ . حج (٢٢): ٢٨  
 ٤٥ . فجر (٨٩): ١-٢  
 ٤٦ . بيان مرصوص امام خميني، ص ٢٦٣  
 ٤٧ . اقبال الأعمال، ص ٦٢٤  
 ٤٨ . آل عمران (٣): ٩٧  
 ٤٩ . بقره (٢): ١٥٨  
 ٥٠ . بحار الأنوار، ج ٢٤، ص ٣١٤، ح ٩  
 ٥١ . همان، ج ٢٧، ص ٢٩

